

درباره‌ی نویسندگان

رونالد ساهیونی

زندگی‌نامه:

علاقه‌ی زیاد من به مغز از کلاس روانشناسی که در دبیرستان شرکت کردم، به وجود آمد. وقتی علاقه‌ام را کشف کردم، متوجه شدم که پدر بزرگم در اثر بیماری آلزایمر در گذشته است. این تجربه‌ی غم‌انگیز باعث شد تا من به این باور برسم، دیگر کسی را نخواهم دید که از این بیماری جان سالم به در ببرد. با اینکه این باور ممکن است غیرواقعی باشد، باعث شد تا من برای رسیدن به هدف «جهان بدون بیماری آلزایمر» مبارزه کنم، پس از دبیرستان به منظور شناختن مغز در سطح میکروسکوپی و سیستماتیک در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی که دارای دو رشته‌ی «علوم اعصاب» و «روانشناسی» بود، تحصیلات تکمیلی را ادامه دادم. به طور هم‌زمان در دانشگاه کالیفرنیا، مرکز بیماری‌های آلزایمر دیویس کار می‌کردم و ارزیابی‌های عصبی- روانی بیمارانی که به درمانگاه تحقیقات ما ارجاع شده بودند را انجام می‌دادم. این تجربیات به من آموخت در درمان بیماری آلزایمر پیشرفت زیادی وجود دارد و مرا وادار کرد تا شغل پزشکی را دنبال کنم. این موضوع مرا به برنامه‌ی آموزشی دانشکده پزشکی^۱ (MSTP) در دانشگاه کالیفرنیا یا «مدرسه پزشکی ایروین»^۲ رساند تا در آن خوش‌شانس باشم که در انواع پروژه‌ها مانند آسیب‌های مغزی ناشی از ضربه^۳، تومورهای مغزی و بیماری آلزایمر با هدف درک بهتر مغز مشارکت کنم.

1. Medical Scientist Training Program

2. Irvine School of Medicine

3. Traumatic Brain Injuries (TBI)

چرا بیماری آلزایمر؟

یادم می‌آید وقتی کودک دبستانی ۸ ساله‌ای بودم به چشمان پدربزرگم نگاه کردم، فهمیدم سرشار از خرد، درک، تجربه و عشق است. روزی را به یاد می‌آورم که بیماری آلزایمر او تشخیص داده شد، به یاد دارم که آن نور درخشان را که در تاریکی مطلق و غیرقابل فسخ از روح او منعکس می‌شد، تماشا می‌کردم. دیدم که ذهن با ثبات او با کاهش مداوم در حافظه فضایی و گم کردن مسیرش در مکان‌های آشنا، ناامن و سرگردان شده است. می‌خواستم کنجکاوای فکری خود را دنبال کنم و دنیای بیماری آلزایمر را کشف کنم. در طول سفرم جمعیت قابل توجهی از افراد مبتلا به بیماری را ملاقات کردم که واقعاً ماهیت، مفهوم ادراک و آگاهی را برایم مشخص کرد. همچنین بسیار خوشحالم که با افراد بسیار خوب و پرنگیزه که زندگی خود را وقف دنیای آلزایمر کرده‌اند، ملاقات کردم.

آرادها نا ورما

زندگی نامه

دارای مدرک کارشناسی ارشد مترجمی پزشکی ام (MTM)^۱ تحت دپارتمان مهندسی پزشکی یوسی برکلی و یوسی سانفرانسیسکو است. به‌عنوان بخشی از پروژه کارشناسی ارشدم، تصمیم گرفتم که وقت خود را به ایجاد و گسترش دستگاهی پوشیدنی برای کمک به بیماران مبتلا به زوال عقل (دمانس)^۲ اختصاص دهم. این دستگاه دارای سیستم کنترل، ابزارهای ارتباطی و بازی‌هایی برای ارتقای ایمنی و مشارکت بیماران است. این اختراع در آن زمان برای کمک به بیماران مبتلا به مشکلات حافظه تا زمانی که درمانی برای زوال عقل و بیماری

1. Masters in Translational Medicine

2. Dementia

آلزایمر وجود داشته باشد به نظر مناسب می‌آمد. در این دوره برای درک واقعیت زوال عقل با پزشکان و بیماران ارتباط برقرار کردم. این واقعیت مرا شگفت‌زده کرد. به نظر می‌رسید متخصصان مغز و اعصاب، متخصصین امراض پیری و مراقبان از نبرد خسته شده بودند. بیماران اغلب به اندازه‌ی کافی انگیزه نداشتند یا به اندازه کافی آگاه نبودند که با بیماری خود روبه‌رو شوند. نتیجه گرفتیم که این بیماری مزمن مداخله‌ای ندارد یا حداقل در حال حاضر قابل درمان نیست. آن زمان درک من از پزشکی نوین شامل اعضای مصنوعی، طب احیاکننده و دستگاه‌های شخصی‌سازی شده بود. من پزشکی را به‌عنوان شکلی پویا از مراقبت و درمان دیدم. این اولین تجربه تصادفی‌ام از مراقبت‌های تسکینی بود. به عنوان یک گروه تصمیم گرفتیم جهت را تغییر دهیم و یک بیماری حاد را در نظر بگیریم که علم آن را بهتر درک کرده است، یعنی سکته مغزی. درحالی که پروژه اختصاص‌یافته ما تغییر یافت، علاقه‌ام به زوال عقل و بیماری آلزایمر بیشتر افزایش پیدا کرد.

چرا بیماری آلزایمر؟

در طول سال‌های دوره‌ی لیسانس‌ام در دانشگاه برکلی برای کار با استادم در مدل‌سازی بیماری آلزایمر و بیماری‌های عصبی پیشرونده دیگر با استفاده از سلول‌های بنیادی جنینی انسان، فرصت داشتم. مفاهیم «عصب‌زایی» و «ترمیم سلولی» به‌طور مداوم در مکالمات، طرح‌های تجربی و انتشارات دکتر تندیس وازین^۱ مطرح می‌شدند. به عنوان یک محقق مشتاق، واقعاً خوش‌بین بودم که به زودی آسیب‌شناسی و عواقب بیماری آلزایمر از بین برود. من در جبهه‌ی نبرد در برابر این بیماری می‌خواستم باشم، نبردی که مطمئن بودم برنده خواهیم شد.

در حوزه‌ی بیماری آلزایمر در زمینه‌ی آزمایش‌های بالینی مداوم درباره‌ی درک الگوی مراقبت در سطح دنیا و بررسی پیشرفت‌هایی که انجام شده است، مطالعه می‌کنم. کم‌کم نیاز به مراقبت تسکینی را درک می‌کنم، اما همچنین معتقدم که با تمام آزمایش‌ها، داروها و حامیان جدید در این زمینه به درمان نزدیک‌تر می‌شویم. امیدوارم مطالعه‌ی این کتاب آگاهی هر خواننده‌ی جدید را ارتقا دهد.

دکتر جفرسون چن

زندگی‌نامه:

از طریق مطالعات اولیه علوم اعصاب در مقطع کارشناسی در مؤسسه فناوری کالیفرنیا، مجذوب مغز و عملکردهای آن شدم. مطالعات علوم پایه در آنجا به خوبی به من کمک کرد، همچنین دوره‌ی تحصیلات دکترا را در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه جان هاپکینز ادامه داده و تحصیلات تکمیلی‌ام در «زیست‌شناسی مولکولی، سلولی لیزوزوم و مسیرهای اندوسیتیک» انجام شد. تحصیل را ادامه دادم و دوره‌ی رزیدنتی جراحی مغز و اعصاب را در دانشگاه سن دیگو کالیفرنیا ادامه دادم و به مطالعاتی ورود راه یافتیم که اساس مولکولی اختلالات عصبی مانند آسیب‌های مغزی و آلزایمر بودند؛ پس از ۵ سال در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تگزاس در گالوستون و پس از ۱۵ سال در مرکز پزشکی لگاسی امانوئل^۱ در پورتلند اورگان، تمرکز را روی تحقیقات بالینی و پایه در جراحی آسیب‌های مغزی و جراحی‌های نوین و نظارت شدید چندبعدی روی مغز در واحد مراقبت‌های ویژه به پایان رسید. در مدت زمانی که در پورتلند تحقیق می‌کردم از این امتیاز برخوردار بودم که برای اولین بار در یک جراحی مغز در آزمایش Cognishunt آلزایمر (سایت پورتلند) شرکت داشته

1. Legacy Emanuel

باشم. مشارکت در این کارآزمایی نه تنها به من نکاتی درباره پیچیدگی‌های زوال عقل آموخته، بلکه برای من میزان ویرانگری آلزایمر و تأثیر آن روی بیماران و خانواده‌های آن‌ها را مشخص کرد.

چرا بیماری آلزایمر؟

در نقش فعلی به‌عنوان مدیر گروه پزشکی در دانشگاه ایروین کالیفرنیا، علاوه بر جمع‌آوری داده‌های بالینی و رادیوگرافی، تمرکز من بر درمان اولیه بیماران با آسیب مغزی و تمرکز بر درمان هدایت‌شده توسط پایش چندالگویی بر مغز ادامه دادم، اما هنوز کارهای زیادی برای انجام دادن وجود دارد. میزان شیوع صدمات خفیف مغزی و سردرگمی^۱ بسیار مبهم است. با کمک شیوع‌شناسی رابطه‌ی این بیماری‌ها با آلزایمر برقرار شده، اما مکانیسم‌های مولکولی هنوز در حال بررسی هستند. یافته‌های اخیر در مورد غدد لنفاتیک مغز نیز راه‌های جدیدی را برای مطالعه‌ی بالینی و اصولی در رابطه با نقش آن‌ها در گردش خون مغز و نخاع فراهم می‌کند که در نهایت ممکن است بر رسوبات بتا آمیلوئید که مشخصه آلزایمر است، تأثیر بگذارد. امیدواریم که در این تلاش‌ها پیشگام باشیم.

تشکیل یک انجمن

مبارزه با بیماری آلزایمر نبردی است بین همه‌ی جوامع که با هم انجام می‌دهند. برای بیماران و خانواده‌ی آن‌ها نبردی است که نیازمند استفاده از درمان‌های پزشکی و اصلاح شیوه‌ی زندگی به‌منظور تشخیص و به حداقل رساندن خطر پیشرفت رو به زوال این بیماری خواهد بود. این نبرد شامل مصرف دارو، خواب و استراحت کافی، تلاش برای کاهش استرس مشاهده‌شده، ورزش کردن و خوردن غذاهای مناسب است. مجموع این عوامل کمک می‌کند تا بهتر بتوان با این

1. Concussions